

عدلیه پیشنهاد میشود در آنها هم کمیسیون عدلیه نظر کند  
نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای یاسائی آقایانیکه موافقتند قیام فرمایند .

(ماده قلیلی قیام نمودند)  
نایب رئیس - تصویب نشد . رأی میگیریم به اصل ماده . قرائت میشود (بشرح آتی قرائت شد)

ماده واحده - وزیر عدلیه مجاز است کلیه قوانین را که در دوره پنجم تقنینیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و یا مینماید بعد از تصویب کمیسیون عدلیه بمجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود تکمیل و تانیای برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید . تبصره - لوائی که بکمیسیون عدلیه ارجاع میشود بدو ایک شور بشود و بعد از آن طبع و توزیع شود میان آقایان و کلا هر کدام در مدتی که کمیسیون معین مینماید نظریات خود را بکمیسیون بدهند و نتیجه با جلب نظریات شور تانی بنماید و نتیجه موثقا بموقع اجرا گذارده شود تا مجلس بفراقت در آنها نظر نماید

مدرس - بنده يك اصلاح عبارتی است که میخواهم عرض کنم بمقیده بنده باید بجای لفظ قوانین لوائی نوشت عنوان قوانین در پیشنهاد صحیح نیست

یکتفر از نمایندگان - لوائی قانونی نوشته شود .  
مخبر - بنده قبول میکنم این اصلاح را .

معاون وزارت عدلیه - آن قسمتی که بعنوان تبصره اضافه شده است باید در آن يك اصلاح عبارتی بشود و آقای مخبر مشغول اصلاح هستند

نایب رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده در این تبصره يك اشکالی میبینم و نمیدانم . . .  
نایب رئیس - مذاکره در تبصره ختم شده است .

ضیاء الواعظین - فقط يك سؤال در تصریح موضوع است بنده میخواهم عرض کنم نظریات نمایندگان که بکمیسیون میرسد چه قسم نظریاتی باید در آن بنماید آیا بکمیسیون اگر رد کند مختار است یا خیر بنظر پیشنهادی در آن نظر میکند

اگر نظر پیشنهادی کمیسیون بآن میکند صحیح است و بنده با نظر پیشنهادی موافقم و قبول میکنم

یکتفر از نمایندگان - نظر پیشنهادی است .

نایب رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرد .

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - چون این سؤال را کردند بنده هم ناچارم عرایضی عرض بکنم

اول مطلب ساده بود این اشکال را که آقای ضیاء الواعظین کردند اسباب سوءظن شد در آنجا نوشته بادر نظر گرفتن آراء و عقاید نمایندگان ما هم اینطور رأی میدهم نه اینکه کمیسیون بخواهد همه نظریات آقایان را رد کند

نایب رئیس - اصلاحیکه در ماده و تبصره شده است قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - وزیر عدلیه مجاز است کلیه لوائی قانونی را که در دوره پنجم تقنینیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و یا مینماید بعد از تصویب کمیسیون عدلیه بمجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده شود تکمیل و تانیای برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید

تبصره - لوائی مزبوره فوق در کمیسیون عدلیه مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد کمیسیون مدتی را معین خواهد کرد که نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه بکمیسیون بدهند و شور دوم پس از انقضای مدتی که معین شده است بعمل خواهد آمد

مدرس - اجازه میفرمائید سطر آخر پیشنهاد بنده را که موقتا بشود بکلی انداخته اند .

مخبر - بنده قبول میکنم ولی موقتا در اصل ماده هم هست مدرس - بسیار خوب

نایب رئیس - رأی میگیریم بماده با اضافه این تبصره آقایانی که موافقتند قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)  
نایب رئیس - تصویب شد . آقای تدین پیشنهاد نموده اند جلسه ختم شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است .  
(جمعی از نمایندگان حرکت کردند و از مجلس سارج شدند)

نایب رئیس - بگذارید دستور معین شود جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت و نیم بطهر دستور بقیه دستور امروز است آقای عز الممالک (اجازه)

حاج عز الممالک - بنده میخواستم عرض کنم . . . عجب آقایان چرا اینطور هستند؟! تا رئیس بلند نشده چرا آقایان خارج میشوند؟! (مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی  
سهام السلطان  
منشی - علی اقبال الممالک  
منشی - معظم السلطان

جلسه هفتاد و هفتم  
صورت مشروح مجلس  
یوم سه شنبه دوازدهم  
برج عقرب ۱۳۰۴ مطابق  
ششم ربیع الثانی ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مؤمن المملک تشکیل گردید .

(صورت مجلس یوم یکشنبه ده - م عقرب را آقای اقبال الممالک قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم .

رئیس - نسبت بصورت جلسه گویا مخالفی نباشد ؟ (مخالفی نبود)

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده يك سؤال از آقایان نمایندگان داشتم يك مطلبی بنده مشتبه شده است . . .

بعضی از نمایندگان - سؤال و کیل از و کیل ممنوع است .

حاج میرزا عبدالوهاب - سؤال و استیضاح نیست .

استفراغ است نمیخواهم که از آقایان استیضاح کنم .

رئیس - نمیشود آقا .  
حاج میرزا عبدالوهاب - يك مطلبی به بنده مشتبه شده اگر عقلشان میرسد ببینند بفهمانند . . .

(صدای زنگ رئیس - امر بسکوت)  
رئیس - آقای رئیس التجار - (اجازه)

رئیس التجار - در دو سه جلسه قبل راجع بخالصه جات و املاک اربابی و بندر پیشنهادی تقدیم کردم و هنوز این پیشنهاد مطرح نشده است خواستم به بینم آن پیشنهاد چه شد .

استدعا میکنم اگر قابل توجه شده زودتر در آن باب مذاکره شود چون موقع بندر کاری میگردد .

رئیس - تحقیق شده بعد از تنفس جواب عرض میشود .

آقای میرزا یدالله خان . (اجازه)

آقا میرزا یدالله خان - بنده هم دو عرض داشتم یکی راجع بموضوعی بود که آقای رئیس التجار فرمودند و دیگر راجع بتأسیس بانک فلاحتی و تکمیل امور فلاح و فروش خالصه جات است که پیشنهادی در این زمینه تهیه نموده تقدیم میکنم .

رئیس - دستور امروز لایحه علائم صنعتی است بمدلایحه مالیات تصاعدی .  
کفیل وزارت معارف - بنده قبل از

دستور عرض داری . بطوریکه در هفته گذشته وعده داده بودم لایحه کنترات دکتر اشترک رئیس مدرسه صنعتی ایران و آلمان را تقدیم میکنم .

رئیس - مراجعه میشود بکمیسیون بودجه و معارف .

یکتفر از نمایندگان - بخارجه .  
رئیس - بلی و خارجه . انتخاباتی که روز پنجشنبه بعمل آمده نتیجه نداده عده حضار مرکز صدوده نفر بوده است هفتاد و دو نفر رأی داده اند باید تجدید شود .

آقای آقاسید یعقوب . (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده ندر مقام سؤال ندر مقام استیضاح بلکه در مقام استدعا هستم از آقایان نمایندگان .

من و آقای شیروانی و آقای معظم - السلطان هر روز میرویم از برای گرفتن رأی در آن اطاق و آقایان تشریف نمیآوردند رأی بدهند و در این باب هم نظامنامه چیزی پیش بینی نکرده و ما آقایان میگوئیم رأی بدهید بعضی از آقایان میفرمایند ما متمنع هستیم و نمایندگان رأی بدهند در صورتیکه ممکن است بیایند آنجا و رأی امتناع بدهند .

آخر تکلیف يك بدبختی که بقرعه برای استخراج معین شده چیست؟ هر روز برو آنجا به نشینند و آقایان هیچ حاضر نشوند حالا هم بنده میروم برای استخراج ولی خوب است آقایان بیشتر برای اصلاح حاضر شوند .

رئیس - کمبری کمیسیونها را عرض کنم .  
کمیسیون نفت سه نفر . کمیسیون عدلیه يك نفر . کمیسیون نظام یک نفر . کمیسیون معارف دو نفر . کمیسیون داخله سه نفر .

آقایان که تشریف میبرند بیرون رأی بدهند لایحه علائم صنعتی مطرح است .  
ماده اول رسوم و دهم و دوازدهم به کمیسیون مراجعه شده بود حاضر شده است .  
ماده اول

(بشرح آتی قرائت میشود)

ماده اول - هر قسم علامت و رقم و حرف و عبارت و یا نقش که برای امتیاز و تشخیص يك محصول صنعتی و یا يك شیئی و یا مؤسسه تجارتی بکار رود علامت صنعتی و تجارتی شناخته خواهد شد .

مع هذا علائم ذیل را بجای علامت صنعتی و یا تجارتی نمیتوان بکاربرد .

۱ - بیرقهای ایران و خارجه - علامت مملکتی (شیر و خورشید) انواع نشانها و مدالهای دولتی ایران و یا خارجه - نقشهای ترکیبی شبیه بیرقهای مختلفه ایران و خارجه انکهای مخصوص دولتی .

تبصره - راجع بنقشهای ترکیبی شبیه بیرقهای مختلفه ایران که قبل از تصویب

این قانون استعمال شده است در صورتیکه تا یک سال پس از تصویب این قانون به ثبت برسد اجازه داده خواهد شد.

۲- علامتی که محتمل اختلال انتظامات عمومی و برخلاف حسن اخلاق و یا موهم گمراهی مردم و یا تولید رقابت غیر عادلانه بنمایند.

۳- علامتی که مرکب باشد از ارقام و یا کلیاتی که معمولاً کمیت و یا کیفیت و یا نوع مال التجاره را مشخص میدارد و یا عبارت است از اسامی مختلفه جغرافیائی.

۴- انواع علائم مذهبی و علامات هیئت‌ها و موسسات مانند شیر و خورشید سرخ و هلال و یاقوت احمر و یا نظایر آن رئیس - مخالفی ندارد.

(گفته شد خیر)

رئیس - رای گرفته میشود این ماده آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده سوم.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده سوم - هر تاجر و یا صنعتگر که بخواهد علامتی را بخود تخصیص دهد باید شخصاً و یا بوسیله وکیل ثابت الوکانه خود نقشه علامت مزبوره را اندازه حقیقی در سه نسخه با امضاء و مهر خویش بانضمام یک قطعه کلیشه آن علامت و اظهارنامه متضمن جنس و نوع و طرح آن علامت و اسامی و اوصاف اجناس که آن علامت روی آنها بکار خواهد رفت بوزارت تجارت تقدیم نماید اندازه علامت در هر حال نباید از یک هشر ذرع مربع زیادتر باشد.

تبصره (۱) - علاماتی که سابقاً معمول بوده اند هر گاه از یک عشر ذرع هم متجاوز باشند با رعایت ماده (۷) پذیرفته میشود.

تبصره (۲) - نسبت باجناس جدیدی که در اظهارنامه ذکر از آنها نشده است صاحب علامت در صورتی میتواند علامت خود را استعمال نماید که بموجب اظهارنامه جداگانه متضمن اسامی و اوصاف اجناس مزبوره مراتب را با اطلاع وزارت تجارت رسانیده و اجازه تحصیل کند.

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب الدین.

(اجازه)

آقا میرزا شهاب الدین - در این ماده دو عبارت نوشته شده یکی باندازه حقیقی را بنده تفهیم یعنی چه؟ اگر مقصود همان یکدهم ذرع مربع است که این یک چیز عملی است. یک شخص تاجر یا صنعتگری که میخواهد علامتی برای صنعت یا تجارت خودش اختیار کند مثلاً کشتی یا آثرویلان بسازد اینجا قید میشود در هر حال نباید از یکدهم ذرع مربع زیادتر باشد آنوقت بطور علامت باین کوچکی را بکشتی یا آثرویلان بزند؟ اگر مقصود اینست آن

کلیشه که بوزارت فوئد عامه باید بدهد باندازه یک دهم ذرع مربع باشد خوب بود در قانون تصریح "میشد تا معلوم باشد مقصود آن کلیشه ایست که تقدیم میشود و الاعلامت صنعت نسبت بهجنس صنعت تفاوت میکند یک جا باید علامت بزرگ باشد یکجا باید کوچک باشد ولی اینجا مینویسد در هر حال این علامت نباید از یکدهم ذرع مربع زیادتر باشد.

بنده یک صنعتگری هستم که میخواهم کشتی بسازم یک علامتی که بقدر یکدهم ذرع مربع باشد برای آن کشتی کافی نیست این یک چیز عملی است علامت کشتی و آثرویلان باید ازدور نمایان باشد و یک دهم ذرع مربع عملی نیست و بایستی آنرا اصلاح کرد.

رهنما مخبر - در اینجا آقای آقا میرزا شهاب نکته را متذکر شدند که در نظر اول صحیح بود ولی بایستی یک قدری در این مسئله دقیق شد که مقصود چه چیز است.

اینجا قید نمیکند که علامت از یکدهم ذرع مربع نباید زیادتر یا کمتر باشد مقصود اینست اندازه کلیشه که بوزارت فوئد عامه میدهند از یکدهم ذرع مربع نباید زیادتر باشد و اگر از سابق یک علامتی بوده که از یکدهم ذرع مربع بزرگتر بوده مطابق ماده هفت قبول میشود ولی از این تاریخ بعد علامتهائی که بوزارت فوئد عامه میدهند نباید از یکدهم عشر ذرع بیشتر باشد و عرض کردم این مانع نخواهد بود که این علامت را بزرگ یا کوچک بکنند ممکن است یک مال التجاره علامت کوچک لازم داشته باشد کوچک میگذازند بزرگ لازم داشته باشد بزرگ میگذازند ولی برای اینکه در وزارتخانه ثبت مرتباً داشته باشد اینجا قید شد که آن علامت که بوزارتخانه میدهند از یکدهم ذرع مربع بزرگتر نباشد.

بنابراین گمان میکنم مقصود آقا هم تأمین شده باشد.

رئیس - آقای اخگر.

(اجازه)

اخگر - موقعیکه این قانون مطرح بود در موضوع کلیشه مقصود اینست که اگر چه یک نفر تاجر نمیتواند برود کلیشه خود را بوزارتخانه تقدیم کند.

برای اینکه یک ضرر فوق العاده دارد و آن تاجر یا آن صنعتگر نمیتواند مقداری خرج کند یک کلیشه بسازد و بیرون بوزارت فوئد عامه بدهد دومرتبه برای خودش یک کلیشه درست کند باین جهت بنده مخالفم و تصور میکنم آنروز قرار شد فقط کلیشه را بردارند نمیدانم چطور شده است که نداشته اند.

رئیس - آقای دست غیب.

(اجازه)

دست غیب - بنده مخالفم بعد از یک موافق.

رئیس موافقی نیست.

بفرمائید.

دست غیب - فرمایشات آقای مخبر اقتناع کننده نبود برای اینکه ایراد آقای آقا میرزا شهاب این بود که لکشر ذرع مربع متناسب با بعضی از صنعتها نیست و مثلی هم زدند که یک علامتی که یکدهم ذرع مربع باشد متناسب با یک کشتی ندارد و علامت صنعتی هر چیزی متناسب با خودش باید باشد.

آقای مخبر فرمودند این برای وزارتخانه است نقشه که بوزارت فوئد عامه میدهند باید یکدهم ذرع مربع باشد والا اگر لازم باشد میتوانند کوچک و بزرگ کنند.

بلی اگر نقشه که وزارتخانه میدهند غیر از آن علامتی باشد که آن صنعتگر انتخاب میکند این فرمایش صحیح بود ولی باید عین آن چیزی را که نقش میکنند بوزارت فوئد عامه تقدیم کند. این یک قسمت.

ایراد دیگر بنده اینست که چرا کلیشه را باید بوزارتخانه بدهد و به عقیده بنده نقشه آنرا باید بدهد نه اینکه دوتا کلیشه درست کند یکی را خودش بردارد یکی را بدهد بوزارتخانه و این اسباب زحمت و خسارت صنعتگر بیچاره است فقط باید یک نقشه بوزارتخانه بدهد و دادن کلیشه هیچ منطقی ندارد و اشکال آقای آقا میرزا شهاب الدین هم وارد است و یک هشر ذرع مربع برای بعضی صنعتها بدرد نمیبخورد و متناسب نیست.

مخبر - بنده ناچارم مجدداً توضیح بدهم که اندازه علامت یعنی نمونه که از خود علامت میدهند بوزارتخانه و اندازه این علامت هم باید یکدهم ذرع مربع باشد و هر گاه برای صنعتش یکدهم ذرع مربع کوچک بود بزرگ بود میتواند بزرگ و کوچک کند.

ولی آن علامتی را که برای نمونه بوزارت فوئد عامه میدهند نباید از یکدهم ذرع مربع زیادتر باشد.

حالا اگر آقای دست غیب از کلیشه اطلاع داشته باشند میدانند که صاحبان آن می توانند کلیشه را گراور کرده بزرگ و کوچک کنند و برای آنها فرقی نمیکند و مقصود از اندازه علامت آن چیزی است که بوزارت فوئد عامه تقدیم کند که در آنجا ضبط شود و تشخیص داده شود که این علامت مال فلان صنعتگر یا تاجراست و دیگری آن را نگیرد و در مال التجاره خودش استعمال کند.

پس این عشر ذرع مربع اندازه علامتست نه خود علامت.

رئیس - آقای کلزونی.

(اجازه)

کلزونی - بنده گمان میکنم آقای مخبر اظهار عقیده خودشان را فرمودند نه بیان عبارت را

برای این که عبارت میگوید در هر حال اندازه علامت نباید از یکدهم ذرع مربع تجاوز کند بدون اینکه قید کند مقصود از این اندازه کلیشه است یا آن علامتی است که در روی صنعت یا مال التجاره استعمال میکنند آقای مخبر میفرمایند مقصود آن نمونه ایست که بوزارت فوئد عامه میدهند

ولی عبارت اینطور نیست و عقیده بنده عین عقیده آقای مخبر است

لکن عقیده بنده و آقای مخبر مخالف است با آن چیزی که در لایحه نوشته شده خوب است این قسمت را درست در لایحه توضیح بدهند.

مخبر - بنده مانع نیستم که در اینجا پیشنهادی بشود که این مطلب توضیح داده شود ولی بنده توضیح را لازم نمی بینم مطلب واضح است

در ماده سوم مینویسد هر تاجر و یا صنعتگر که بخواهد علامتی را بخود تخصیص دهد باید نقشه علامت مزبور را باندازه حقیقی نموده تسلیم وزارت فوئد عامه بکند آنوقت در قسمت آخر ماده میگوید اندازه علامت در هر حال نباید از یکدهم ذرع مربع زیادتر باشد.

اندازه علامت مقصود همانست که برای نمونه بوزارت فوئد عامه میدهند و عرض کردم آنچه را که برای صنعت خودش استعمال میکند میتواند بزرگ و کوچک کند ولی نمونه که بوزارتخانه میدهند باید از یکدهم ذرع مربع زیادتر نباشد.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو.

(اجازه)

ارباب کیخسرو - در سابق وقتی که ماده مطرح بود بنده راجع به کلیشه شرحی عرض کردم و پیشنهادی هم تقدیم نمودم که گمان میکنم آن پیشنهاد هم قریب با اتفاق تصویب شد.

توضیحاتی هم که امروز عرض میکنم غیر از آن توضیحات نخواهد بود آنروز عرض کردم دادن کلیشه بوزارت فوئد عامه چندین ضرر برای صاحب علامت دارد اول ضرر مادی دارد چون یک مبلغی خرج کرده و یک کلیشه درست کرده باید آنرا بدهد بوزارت فوئد عامه و یک مبلغی هم دوباره خرج کند و عین همان کلیشه را برای خودش درست کند و از این راه یک ضرری متوجه او میشود بعلاوه باید اصل مقصود را تفهیم که کلیشه چیست یک علامت مخصوصی است برای یک اداره یا تجارتخانه یا صاحب امتیاز مثل کلیشه مجلس شورای ملی و کلیشه در حکم همان مهری است که حکاک میکنند همانطور که یک صاحب مهر

نمی تواند مهر خودش را بدیگری تسلیم کند و باید باختیار خودش باشد و هر جامی خواهد استعمال کند این همه مان حکم را دارد و باید خود صاحب علامت گاه به باد اگر مقصودشان این است که آن علامت را از روی کلیشه در صنعتی چاپ کنند هر وقت بخواهند در مجله آن علامت را چاپ کنند باید از طرف بخواهند که او کلیشه را بتوسط وکیل خودش بفرستد و چاپ کنند بعد بغوش پس بدهند والا کلیشه را تجارتخانه یا صنعتگر با اختیار هیچکس نباید واگذارند حتی بیک مطبوعه هم اجازه نمیدهند که کلیشه نزدشان باشد چون ممکن است اوراق آن را بدست دیگری بدهند مثلا کلیشه برات این برات سند اوست و باید کلیشه اش محفوظ باشد و نمی شود او را مجبور کرد که کلیشه اش را بدهد اگر چنانچه مقصود علامت است باشد ممکن است نقش آن یا عکس آن را بوزارت خانه بفرستند و بنده در هر صورت متخلف که عین کلیشه را بفرستند بوزارت فوائد عامه و مضر میدانم و در این باب هم پیشنهادی تقدیم کردم و اگر آقای مخبر این قسمت را قبول نمیکنند بنده استعفا دارم مجدداً از مجلس رأی بگریزم

**رئیس** (خطاب بنمایندگان) همه برای مذاکرات کافی نیست تشریف نبرید بیرون تا سایر آقایان برگردند (چند نفر از نمایندگان وارد شدند)

**رئیس آقا ضیاء الواعظین** موافقتند **رئیس بفرمائید**

**ضیاء الواعظین** لازم است از روی یکی یکی جواب داده شود.

این ماده سوم است که میگوید هر تاجر و یا صنعتگری که بخواهد علامتی را بخود تخصیص دهد باید شخصاً و یا وسیله وکیل ثابت الوکاله خود نقشه علامت مزبور را باندازه حقیقی تا اینجا اشکالی ندارد و آقای آقامیرزاشهاب راجع باندازه حقیقی اشکال کرده و فرمودند معنی باندازه حقیقی چه چیز است.

آیا باندازه حقیقی همان یک مهر ذرع مربع است یا یک چیز دیگر

در این قسمت جوابی که بایشان داده میشود این است که باندازه حقیقی همان اندازه است که صاحبان علامت قبول و اختیار مینمایند که برای تجارت یا صنعت خودشان استعمال کنند

پس باندازه حقیقی همان اندازه است که صاحبان علامت قبول و در صنعت خودشان رسم میکنند

مثلا یک کسی کارخانه کبریت سازی دارد و نقشه تخت جمشید را برابری خودش اختیار کرده است و باندازه حقیقی که در ماده ذکر شده است عبارت از همان اندازه

و همانقدری است که صاحب علامت قبول کرده است و اگر در این موضوع خود آقای میرزاشهاب مطالعه میفرمادند تصور می کنم رفع اشکالشان میشد قسمت دوم مینویسد :

بانضمام یک قطعه کلیشه را بوزارتخانه باید بدهد آقای ارباب در موقعی که راجع باین ماده صحبت میشد فرمایشاتی فرمودند فرمودند که کلیشه را بفرستد و چاپ کنند بعد بغوش پس بدهند والا کلیشه را تجارتخانه یا صنعتگر با اختیار هیچکس نباید واگذارند حتی بیک مطبوعه هم اجازه نمیدهند که کلیشه نزدشان باشد چون ممکن است اوراق آن را بدست دیگری بدهند مثلا کلیشه برات این برات سند اوست و باید کلیشه اش محفوظ باشد و نمی شود او را مجبور کرد که کلیشه اش را بدهد اگر چنانچه مقصود علامت است باشد ممکن است نقش آن یا عکس آن را بوزارت خانه بفرستند و بنده در هر صورت متخلف که عین کلیشه را بفرستند بوزارت فوائد عامه و مضر میدانم و در این باب هم پیشنهادی تقدیم کردم و اگر آقای مخبر این قسمت را قبول نمیکنند بنده استعفا دارم مجدداً از مجلس رأی بگریزم

**رئیس** (خطاب بنمایندگان) همه برای مذاکرات کافی نیست تشریف نبرید بیرون تا سایر آقایان برگردند (چند نفر از نمایندگان وارد شدند)

**رئیس آقا ضیاء الواعظین** موافقتند **رئیس بفرمائید**

**ضیاء الواعظین** لازم است از روی یکی یکی جواب داده شود.

این ماده سوم است که میگوید هر تاجر و یا صنعتگری که بخواهد علامتی را بخود تخصیص دهد باید شخصاً و یا وسیله وکیل ثابت الوکاله خود نقشه علامت مزبور را باندازه حقیقی تا اینجا اشکالی ندارد و آقای آقامیرزاشهاب راجع باندازه حقیقی اشکال کرده و فرمودند معنی باندازه حقیقی چه چیز است.

آیا باندازه حقیقی همان یک مهر ذرع مربع است یا یک چیز دیگر

در این قسمت جوابی که بایشان داده میشود این است که باندازه حقیقی همان اندازه است که صاحبان علامت قبول و اختیار مینمایند که برای تجارت یا صنعت خودشان استعمال کنند

پس باندازه حقیقی همان اندازه است که صاحبان علامت قبول و در صنعت خودشان رسم میکنند

مثلا یک کسی کارخانه کبریت سازی دارد و نقشه تخت جمشید را برابری خودش اختیار کرده است و باندازه حقیقی که در ماده ذکر شده است عبارت از همان اندازه

اندازه علامتش اگر از یک عشر ذرع مربع بیشتر نباشد نمی شود استفاده کرد

عجالتاً که ما کارخانه ای که کشتی و اثر ویلان و لکوموتیو تهیه کند نداریم تا انشاء الله بعد پیدا کنیم

و کشتی ها و اثر ویلان هائی هم که داریم در جا های دیگر ساخته شده است

و این هم غیر از مال التجاره است این چیز است که شما بصاحب کارخانه دستوری دهید برای شما بسازد

تا شما از آن استفاده کنید

پس گمان میکنم دیگر اشکالی باقی نباشد

و در صورتیکه مجلس قبول کند ممکن است آقای مخبر هم نظر خودشان را بفرمایند

**رئیس** آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب متأسفانه هماغطور که آقای ضیاء الواعظین فرمودند از روی متن عبارت باید جواب فرمایشاتشان را داد خوشبختانه تقریرات آقای مخبر هم تقریباً موافق است با عقیده بنده و بعضی از آقایان مخالفین

یکی هم لفظ حقیقی است و معلوم نشده معنای این عبارت چیست و اگر بگوید علامتی از یک عشر ذرع مربع تجاوز کند در یک موقعی ممکن است یک صنعت خیلی بزرگی باشد و آن وقت آن اندازه برای آن کافی نیست

استعفا میکنم جواب این دو اشکال را بدهند

مخبر - بنده معتمد که مذاکرات را از هم باید تفکیک کرد

در موضوع کلیشه آقای ارباب پیشنهادی که کرده اند و از روی آن پیشنهاد تکلیف کلیشه معلوم میشود

اما راجع باندازه حقیقی دستغیب - عبارت را بخوانید

مخبر - بسیار خوب عبارت می نویسد :

هر تاجر و یا صنعتگر که بخواهد علامتی را بخود تخصیص دهد باید شخصاً و یا وسیله وکیل ثابت الوکاله خود نقشه علامت مزبوره را باندازه حقیقی در سه نسخه با امضاء و مهر خویش به انضمام یک قطعه کلیشه آن علامت و اظهارنامه متضمن جنس و نوع طرح آن علامت و اسمی و اوصاف اجناسی که آن علامت روی آنها بکار خواهد رفت به وزارت تجارت تقدیم نماید

اندازه علامت در هر حال نباید از یک عشر ذرع مربع زیادتر باشد

حالا اینجا اصولاً همانست که آنها فرمودند بنده هم بانظر آقایان موافقت و از این ماده اینطور میفهمم که مقصود از باندازه علامت که از یک عشر ذرع مربع نباید

می نویسد :

در هر حال نباید این اندازه بیشتر از یک عشر ذرع مربع باشد

از این عبارت اینطور استفاده میشود که باید دو کلیشه درست کند

یکی پیش خودش باشد یکی را هم بوزارتخانه بدهد و اشکال سرائین است که هر دو این کلیشه ها باید یک اندازه باشد و نباید از یک عشر ذرع مربع تجاوز کند حالا اگر یک صنعت بزرگی باشد که علامت یک عشر ذرع مربع برای او کافی نباشد چه باید کرد

از این جهت ایسن اشکال هم وارد است و از اظهارات آقای مخبر هم اینطور معلوم شد که عقیده شان همین است

در هر صورت رفع این اشکال هنوز نشده است

بطوریکه عرض کردم این دو اشکال وارد است

یکی اینکه کلیشه بمنزله مهر است و نباید بوزارت خانه داد و باید نقشه آن را بوزارت خانه تسلیم کنند نه عین آن را

یکی هم لفظ حقیقی است و معلوم نشده معنای این عبارت چیست و اگر بگوید علامتی از یک عشر ذرع مربع تجاوز کند در یک موقعی ممکن است یک صنعت خیلی بزرگی باشد و آن وقت آن اندازه برای آن کافی نیست

استعفا میکنم جواب این دو اشکال را بدهند

مخبر - بنده معتمد که مذاکرات را از هم باید تفکیک کرد

در موضوع کلیشه آقای ارباب پیشنهادی که کرده اند و از روی آن پیشنهاد تکلیف کلیشه معلوم میشود

اما راجع باندازه حقیقی دستغیب - عبارت را بخوانید

مخبر - بسیار خوب عبارت می نویسد :

هر تاجر و یا صنعتگر که بخواهد علامتی را بخود تخصیص دهد باید شخصاً و یا وسیله وکیل ثابت الوکاله خود نقشه علامت مزبوره را باندازه حقیقی در سه نسخه با امضاء و مهر خویش به انضمام یک قطعه کلیشه آن علامت و اظهارنامه متضمن جنس و نوع طرح آن علامت و اسمی و اوصاف اجناسی که آن علامت روی آنها بکار خواهد رفت به وزارت تجارت تقدیم نماید

اندازه علامت در هر حال نباید از یک عشر ذرع مربع زیادتر باشد

حالا اینجا اصولاً همانست که آنها فرمودند بنده هم بانظر آقایان موافقت و از این ماده اینطور میفهمم که مقصود از باندازه علامت که از یک عشر ذرع مربع نباید

زیادتر باشد

اندازه علامتی است که باید بوزارت فوائد عامه بدهند آنها هم از تاریخ امضاء عین قانون ولی اگر قبل از آن علامت هائی داشته اند که اندازه آنها بیش از این بوده آنها قبول می شود بشرط این که موافق سایر مواد باشد

حالا اساساً ما یک اشتباهی نکنیم که آنوقت سبب اشکال زیادتر میشود و آن این است که علامت فابریک غیر از تابلو است و در این قسمت باید خیلی دقت کرد مثلا آقای میرزاشهاب الدین فرمودند : علامتی که روی کشتی میگذرانند روی کشتی همچوقت علامتی نمی گذارند فقط در روی ماشین های کشتی که داخل آن است و دیده نمیشود

روی آنها یک علامت مخصوص کارخانه میگذرانند روی موتور و ماشینهای داخلی آن فقط علامت را میگذرانند که این علامت کارخانه است که این ماشینها در آن ساخته شده است

والا کشتی بآن بزرگی هیچ وقت علامت بزرگی ندارد که مثلا روی پیشانی آن کشتی بگذرانند که بفهمند این کشتی مال کدام فابریک است و اصولاً علامت کارخانه غیر از تابلو است و غیر از نقشه است که بخواهند بزرگ بکنند

مثلا اینکه زیر اثر ویلان میبندند آن علامت فابریک نیست که اگر یاضد متر بالاتر ما آن را نه بنیم آن علامت کارخانه نیست

آن یک نشانه است علامت کارخانه آن نوری موتور و خیلی هم کوچک است علامت کارخانه و ماشین حتماً یک علامتی نباید باشد که ما از دور به بینیم و تصور کنیم باید یک تابلو یا چیز بزرگی باشد که حتماً از دور هم بینیم بعد از آنکه متوجه این مسئله شدیم

آن وقت از این حرارت یک قدری کاسته میشود و سوختها هم مازع میشود

مقصود از علامت این است که یک نشانه روی ماشین ها و قطعات کوچک آن اسباب گذاشته میشود

برای تخصیص دادن آنها بیک فابریک مخصوص مثلا علامت کارخانه نورلین که روی درشوم بخورد فوق العاده کوچک است البته دیده آید چقدر کوچک است و شاید بعدد یک ناخن هم نیست

پس بنا بر این علامت کارخانه غیر از تابلو است و تابلو را ممکن است بهر اندازه بخواهند بزرگ یا کوچک بکنند و روی کشتی هم ممکن است یک تابلو بزرگی بزنند باین توضیحات معلوم شد که مقصود از اندازه حقیقی که میگویند یعنی همان اندازه که باید بوزارت فوائد عامه تسلیم کنند و پیش او باشد و نباید بیش از یک عشر ذرع باشد بعد

اگر خودش معتقد شد که بزرگ یا کوچکش کند خودش میدانند

اماراجع بکلیشه آقای ارباب پاساير آقایان پیشنهاد کرده اند البته وقتیکه موقع قرائت پیشنهاد باشد شاید یکی از این پیشنهادها را قبول کنیم که کلیشه هم برداشته شود و پیش از این هم مذاکرات نشود

**بعضی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است

**رئیس** - بلی کافی است؟

**بعضی از نمایندگان** - بلی کافی است

**رئیس** - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

میرزاشهاب پیشنهاد میکند : جمله آخر ماده سه بطریق ذیل اصلاح شود :

اندازه علامتی که بوزارت تجارت تقدیم میشود در هر حال نباید از یک عشر ذرع مربع زیادتر باشد

**رئیس** - بفرمائید

**آقا میرزاشهاب الدین** - قبلا عرض کردم و آقای مخبر هم تصدیق فرمودند که مقصود (از یک عشر ذرع مربع باشد) آن علامتی است که صاحب صنعت باید برای خودش اختیار کند یعنی مقصود آن عکس یا علامتی که باید بوزارت تجارت تقدیم کند و آنچه بنده گمان میکنم در ترجمه همین قسم بوده است و یک اشتباهی عرض شده است که این لفظ نوشته شده

مخصوصاً آقای ضیاء الواعظین هم عرض بنده را تأیید کردند

یک نفر کبریت ساز هکس تخت جمشید برای خودش علامت صنعتی قرار میدهد و روی قوطی کبریت میزند

بنده هم همین را عرض میکنم وقتی این علامت صنعتی را روی یک قوطی کبریت می بینم دو سانیتم است در سه سانیتم و همین علامت را وقتی روی دو جین کبریت میگذرانند هفت سانیتم میشود در نه سانیتم و وقتی که همین را روی بسته بزرگ میگذرانند بزرگ تر میکنند پس این محدود نشد بیکدم ذرع مربع

پس منطقی که آقای ضیاء الواعظین فرمودند تأیید بنده را کردند و آنچه بنده شنیدم اینجا در ترجمه یک اشتباهی شده و مقصود همین است که آن کلیشه یا عکس که تقدیم وزارت فوائد عامه میشود آن نباید از یک دهم ذرع مربع زیادتر باشد برای اینکه در آن دوسیه که میخواهند اسباب زحمت بشود

ولی علامت صنعتی را نمیتوان محدود کرد که یک اندازه معین باشد گاهی صنعتگران میخواهند بزرگ کنند گاهی میخواهند کوچک کنند از این جهت بنده

پیش نهادی کردم در آنجا که نوشته شده است (در هر حال نباید از یک عشر ذرع مربع بیشتر باشد) نوشته شود علامتی که بوزارت فوائد عامه تقدیم میشود نباید از یک دهم ذرع مربع زیادتر باشد

مخبر - بنده پیشنهاد ایشان را همانطور عرض کردم و توضیح دادند که آقایان قبول میکنند بنده هم قبول میکنم

**رئیس** - رأی گرفته شود؟

مخبر - قبول کردم

**رئیس** - پیشنهاد آقای کازرونی کازرونی - بنده استرادم بکنم نظریه بنده تأمین شد

**رئیس** - پیشنهاد آقای طهرانی (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم (باندازه حقیقی) حذف شود

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بیانات بنده را یک مقداری آقای آقامیرزا شهاب فرمودند یک اندازه حقیقی برای علامت مثلا فرض کنید دو گره معین کردیم آن صنعتگر و آن تاجر معلوم است که موضوع تجارتش اختصاص بیک موضوع خاصی ندارد موضوعات مختلفی دارد یا صنعتگر صنعتش اختصاص بیک موضوع خاصی ندارد

گاهی از اوقات همان علامت بزرگ میشود و گاهی کوچک و نسبت بآن موضوع صنایع بزرگ و کوچک میشود همانطوریکه ایشان مثل زدن بکبریت که یک علامت خاصی را صاحب کارخانه کبریت تعیین میکند روی قوطی کبریت یک اندازه روی دو جین یک اندازه و روی جعبه بزرگ که بیست چهار دو جین دارد یک اندازه دیگر میزند

یعنی همان شکل است گاهی بزرگ میشود و گاهی کوچک و وقتیکه اندازه حقیقی را معین کردند که حتماً یک عشر ذرع باشد باید در تمام مراحل یک شکلی باشد و حال آنکه این باعث این نمیشود که سایرین دست اندازی بعلامت صنعتی اونکنند علامت صنعت عبارت از آن نقشه است که میدهد بوزارت فوائد عامه و آن نقشه گاهی بزرگ میشود و گاهی کوچک ولی اندازه حقیقی معنایش این است که اگر آن علامت را در یک موضوع خودش بزرگ تر کرد کار خلافی کرده و باید مجازات شود و نیز اگر کوچکتر کرد باز خلاف کرده باید تحت محاکمه بیاید پس این اندازه حقیقی معنی ندارد

آن چیزی که مؤثر در علامت صنعت است اصل نقشه است نه اندازه حقیقی از این جهت بنده پیشنهاد میکنم که اندازه حقیقی حذف شود که اختیار دست صنعتگر و تاجر باشد که اگر بخواهد بزرگ کند و اگر بخواهد کوچک کند

مخبر - به از آنکه معین شد که

اندازه که باید تقدیم وزارت فوائد عامه نماید پیش از يك عشر ذرع نباشد مقصود این است نقشی که باید تقدیم وزارت خانه نماید پیش از یکدم ذرع نباشد خود او اگر بخواهد کم و زیاد کند البته اشکالی ندارد.

رئیس - آقای مشار اعظم پیشنهادی کرده اند قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سه از دستور خارج شود ماده دیگر مطرح شود تا در ماده ۳ در خارج مجلس دفعه های لازم بعمل آمده هم مطلب آن و هم عبارت آن اصلاح گردد.

رئیس - آقای مشار اعظم بفرمائید.

مشار اعظم توضیح ندارد.

رئیس - رأی میکنیم باین پیشنهاد آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم قرائت می شود.

(شرح آتی خوانده شد)

ماده دهم - اعتبار اجازه فقط ده سال است ویس از انقضای این مدت بترتیب فوق باید تجدید شود والا ممکن است پس از یکبار اخطار در مجله علامات صنعتی و تجارتی و انقضای مدت يك ساله اجازه استعمال عین پاشیه آن بدیگری داده شود اضافه معیزی.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده خیلی میل داشتم که آقای مخبر حکمت و فلسفه را که در نظر گرفته اند مدت را ده سال قرار داده اند بفرمائید که اسباب مسرت بنده بشود.

چرا باید در سال باشد؟ يك تجارتخانه گاهی پنجده شصت سال طول میکشد اگر غرض واقعی این است که بعد از ده سال يك پولی بخرند دیگر ماسکه لازم ندارد همین کنند که بعد از ده سال يك پول دیگری بخرند نه اینکه دوم تبه يك اشکالاتی ایجاد کنند که برگردد کلیشه را تجدید کنند و کیلی و مو کلی و يك خرجی هم میکنند این هادیکر لازم نیست والا دولت يك کلیشه که يك کسی داد.

یابك صنعتگری از طرف دولت يك علامتی گرفت و بگذرد تخصیص داد بایستی مجاز باشد مگر تا زمانیکه خودش آن علامت را پس بدهد. مخبر - ایشان معتقدند که مدت اجازه باید دائمی باشد. ولی در این جا وزارت فوائد عامه در نظر گرفته است که مدت ده سال باشد و برای اجاره این ده سال ده تومان معین شده است و در سه سال که مدت تمام میشود دیگر و کیلی و کلیشه نمی خواهند فقط اگر

خود او مایل باشد تجدید کند يك ورقه مینویسد تجدید میکند و همان ده تومان رامیدهد و اگر مایل نباشد مینویسد من طالب نیستم و اگر وزارت فوائد عامه دیگری را طالب دید باومیدهد و حالا اگر بخواهند این ماده را تغییر بدهند آن وقت ماده را هم که تصویب شده باید آن راهم کم و زیاد میکنند چون این ماده مدت راده سال معین کرده و در آن ماده هم معین شده است که در ظرف این مدت ده تومان بدهد ویس از ده سال اگر خواست باید بدهد تجدید کند و اگر نخواست مجبور نیست و تا يك سال هم اخطار می کنند بعدا اگر صاحب امتیاز اولی نخواست و دیگری خواست باو می دهند.

رئیس آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده تصور میکنم بهتر این است که اول متوجه به اصل موضوع بشویم و بفهمیم که علامت صنعتی برای چه لازم است و چرا این امتیازات داده میشود و چرا مردم باید با این زحمات این علامت را بخرند؟

رئیس آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده تصور میکنم بهتر این است که اول متوجه به اصل موضوع بشویم و بفهمیم که علامت صنعتی برای چه لازم است و چرا این امتیازات داده میشود و چرا مردم باید با این زحمات این علامت را بخرند؟

يك کسی میخواهد بواسطه علامتی که برای خودش اختیار میکند و روی مصنوعات خودش میکند از سایر همکاران خودش مصنوعاتش در خوبی متمایز باشد و مشتری ها مصنوعات او را بشناسد و بخرند و برای او فایده داشته باشد پس يك نفر آدمی که يك علامت را انتخاب کرد و ده سال این علامت در دنیا معروف و مشهور شد چرا باید دوباره باید وزارت خانه مربوطه عرضحال بدهد کلیشه بدهد نقشه بدهد و بخواهد تجدید بکند.

البته وقتی بنا باشد مدت اعتبار ده سال باشد وقتی که دوباره میخواهد این علامت را برای خودش درخواست کند ممکن است وزارت خانه قبول کند ممکن است قبول کرده و مدت ده سال بواسطه خوبی میشود در دنیا معروف و مشهورش کرده بچه مناسبت باید وزارت خانه اختیار داده شود که اگر وزارت خانه بخواهد بدهد و اگر نخواهد ندهد ولی اگر بواسطه نظر مالی باشد که يك پولی از این بابت این امتیاز از او بگیرند ممکن است ماده اینطور نوشته شود بعد از ده سال قیمت این امتیاز را مجدداً بوزارت خانه باید بدهد یا بشود دیگری و به علاوه اینطوریکه آقای مخبر فرمودند که اگر این ماده را عوض کنیم ماده نه هم باید عوض شود لازم نمی آید برای اینکه بجای اختیار فسخ که بوزارت خانه داده است ممکن است برای آن يك پولی معین کرد که بعد از ده سال از صاحبان این علامت بگیرند و اختیار قبول یا عدم قبول را باید بگذرد صاحب علامت مادام که اگر خواست تجدید کند يك پول باید بدهد والا فسخ

میشود. ولی آمدن بوزارت خانه و کلیشه دادن دوباره و این ها مستلزم این است که شاید وزارت خانه نخواهد باو بدهد و قبول نکند.

رئیس - آقای حاجز المالك (اجازه)

حاجز المالك - این جا به همان فلسفه که آقا فرمودند که يك شخصی یا تجارت خانمی خواهه مصنوعاتش ممتاز باشد دولت هم حفظ حقوق او را در مقابل سایرین نکند بهمان فلسفه یعنی مانعی ندارد که ما قائل شویم يك مبلغی بدولت بدهد اگر ما این مبلغ را زیاد تر میگردیم همان اشکالاتی که نسبت بده تومان شد لابد نسبت بیک مبلغ بیشتری هم همان اشکالات بايك حرارت بیشتری می آید باینجهت است که این مدت و این مبلغ را در نظر گرفته اند و گفته اند ده سال ده تومان ولی اینکه فرمودند وزارت خانه بعد بخواهد باو اجازه میدهد اگر نخواهد نمیدهد و در اختیار وزارت خانه است.

خبر اینطور نیست اختیاری نیست برای آنکه بموجب حقی که گرفته مال او است و برای تجدید مدت هم در همین لایحه مصرح است که می رود و میگوید و اجازه رومی - گیرد و وزارت خانه مجاز نخواهد بود يك حقی را که قبلا بیک مؤسسه داده است به اختیار خودش باو ندهد و بدیگری بدهد بلی اگر خود آن شخص نخواست بدیگری داده میشود البته حقت ساقط می شود پس این ماده با فلسفه نوشته شده است و این حقی هم که قائل شدیم بدولت بدهد این چیز مهمی نیست که تصور کنیم يك عایدی زیادی بدولت میدهد که مانا اسم استنکاف میکنم.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - دولت معمولاً از يك دست پول میکشد و از يك دست دیگر باید خرج کند. یعنی در همه جا دولت نباید پول بگیرد. در آنتیاییکه دولت باید پول خرج کند باید پول بگیرد. حالا بنده این قانون را اینطور می بینم که میگوید آنتیاییکه دولت باید پول خرج کند باید پول بگیرد حتی اگر يك نظر مصالحه هم داشته باشیم باید طوری بیچ و تاب تویش بیندازیم که بالاخره بر گردد بیول گرفتن و خراب شود این مسئله سبب اصلی ایجادش تشویق صنعت و تجارت

است و برای این است که مردم تشویق بشوند و صنعت را زیادتر بکنند و گوش و جدیت در صنایع خودشان بکنند خوب است آقایان در نظر بگیرند که اهل صنایع مادر ایران کجا هستند؟ چه طور مردم هستند و از نقطه نظر مردمان صنعت قانون را وضع کنند.

رئیس - تصویب شد.

هر کس دید که از دادن ۱۰ تومان سالی سبب تومان استفاده میکند میدهد والا اگر پول نداشته باشد علامت صنعتی اختیار نمیکند. ولی اگر هم سرمایه دار باشد باید از تأدیه این مبلغ دریغ کند؟

آنهائی که میروند يك علامت صنعتی را برای خود اختصاص میدهند غالباً کمیانی های مهمی خواهند بود که با سرمایه دار های داخلی با سرمایه داران خارجی شرکت کرده اند آنها نباید هر ده سال ده سال ده تومان بدولت بدهند؟

ما خیال میکنیم اگر این پول را از جیب دولت بیرون بیاوریم و در جیب آنها بگذاریم برای مردم و مملکت مفید است در تمام دنیا این رسم بوده و هر کس که بانده ده تومان در ده سال از این مازک استفاده میبرد آن معاملات را میکشد و اگر استفاده نبرد نمی رود بگیرد و بقیه بنده این ترتیب بصره تمام کمیانیها و سرمایه داران است و الان خودشان حاضرند که سالی يك تومان برای حمایت کردن دولت از مارکشان بدولت بدهند آنوقت ما اصرار میکنیم که دولت نباید این پول را بگیرد و این پول توی جیب آن کمیانی خارجی یا آن سرمایه داخلی برود.

رئیس - مذاکرات کافی است.

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است. رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی قرائت میشود: (شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که مدت ده سال حذف شود.

رئیس - توضیح بدهید.

کازرونی - بنده میخواهم توضیح مفصلی بدهم لکن بطور اختصار عرض می کنم اینکه بنده گفته ام هر ده سال ده تومان اخذ نشود برای تقویت و حمایت از سرمایه داران نبود بلکه برای آن ارباب صنایعی بود که صنایعشان کوچک و عایدی شان کم است و البته اگر سرمایه داران صد تومان یا هزار تومان هم بدهند اهمیت ندارد ولی نظر من اینست که این اختصاص علامت اهمیت پیدا کرده چاقو ساز و نساج هم بتوانند يك علامت اختصاص برای خودش گرفته باشند نه اینکه اینها هم بیک مردمانی تخصیص بدهیم که سرمایه هنگفتی دارند و دیگران را محروم کرده باشیم غرض ما تشویق صنایع است.

رئیس - رأی میکنیم بقبال توجه

میکند. مثلاً کمیانی شرق که در عراق نشسته است و یا بنده هزار تومان سرمایه اش است و میخواهد يك علامتی برای خودش اختیار کند ده تومان هم بدولت ندهد؟ این مفاد صحبت های ما میشود ما اصولاً باید این را تشخیص بدهیم که این امتیاز اجباری نیست همه کس مجبور نیست که این امتیاز را بگیرد.

رئیس - تصویب شد.

ماده دوازدهم (شرح آتی قرائت شد) ماده ۱۱ علامتی را استعمال نمودن از ۱۰ روز الی یکسال بعبس محکوم و از مبلغ ۱۰ تومان الی سبب ده تومان بصدوق دولت دادنی خواهند بود.

اشخاصیکه اشیاء دارای اطلاعات نقلی و ساختگی دانسته بمرغش فروش و معامله بگذارند از روز الی شش ماه حبس و از ۱۰ تومان الی یکصد و پنجاه تومان بصدوق دولت دادنی خواهند بود.

در صورت تکرار در هر دو مورد مجازات مضاعف میشود.

محکمه در صورت نقاضای مدعی می تواند مرتکب را بتأدیه خسارات وارده بر او نیز از هر قبیل که باشد محکوم نماید و نیز حق دارد علامات نقلی اشیاء را باطل کند و صورت حکمی را که در این قبیل موارد صادر مینماید کلاز با بصدوق نقلی که لازم میداند اعلان کند یا در روزنامه ها درج نماید و مخارجی هم که برای این اقدام تعلق میگیرد بر عهده محکوم علیه خواهد بود.

تبصره معادل مبلغی که مطابق ماده ۱۲ بعهده محکوم علیه تعلق میگیرد از عین اشیاء نقلی مصادره خواهد شد و از اشیائی که علامت آنها را نمیان باطل کرد از قبیل اشیاء شکستی تمام آن اشیاء ضبط و در این صورت از جریمه معاف خواهد بود.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی - بنده آندفهمم باین ماده مخالف بودم حالاهم مخالفم و عقیده ندارم باینکه در يك قانونی باین کیفیت مواد مجازات نوشته شود و محتمل در موقمی که قانون جزای عمومی در مجلس مطرح است آنوقت در موضوع تقلب و تزویر اهم از اینکه تقلب در سند باشد یا در علامت صنعتی در آن قانون معین شود و مجازات آنهم معلوم شود و آن مطلب بنظر من گران می آید که در قانون جزای عمومی يك حدودی برای مزور و متقلب معین بکنند و يك جزائی هم برای آن در این قانون معین بکنند که آن جزا مخالف باین جزا باشد.

اصولاً در تحت عنوان تقلب و تزویر است و عقیده بنده این است که این ماده هر کس مفاد ماده فوق تقلب کند در تحت محکومیت متقلب و مزور است و در

آن قانون هم که بعداً تصویب خواهد شد معلوم خواهند کرد که جزای متقلب و مزور چقدر است.

رئیس - تصویب شد.

و اینهم در تحت همان عنوان است والا اگر بنا باشد در هر موضوعی از موضوعات بایک ماده قانونی برای مجازات متخلف آن وضع کنیم که يك ماده تا یکسال حبس و فلاقت جزای نقدی بدهد این معنی يك ماده در قانون جزای عمومی معین میشود که مزور و متقلب چه اندازه باید مجازات شود و باید در این ماده تصریح شود که متخلف از مواد فوق در حکم مزور و متقلب است و هر حکمی که در قانون جزای عمومی برای مزور و متقلب معین شد در اینجا همان معامله با او میشود.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - مخالفم.

رئیس - آقای کازرونی.

کازرونی - مخالفم.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - مخالفم.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شاهزاده شیخ الرئیس - مخالفم.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده باین ماده موافقم.

رئیس - بفرمائید.

تدین - بنده باین ماده موافقم و متقدم که برای حفظ حقوق همان صنعتگر بچاره و همان اولئین ساز و همان آهنگر که قبلاً برای آنها این همه دلسوزی میشد برای حفظ حقوق آنها و برای این که هر کس تقلب و تزویر نکند لازم است در این قانون در تحت عنوان متقلب و مزور يك ماده ذکر شود.

و اینکه میفرمایند در قانون جزای عمومی که بعد وضع خواهد شد تکلیفش معین شود. این ترتیب طفره از موضوع است زیرا مادام که يك قانون جزای عمومی درست نشده معلوم نیست کی بجلس خواهد آمد و کی بتصویب مجلس میرسد وقتی این قانون اجرا میشود.

اگر اشخاصی پیدا شدند و نسبت به علامت صنعتی سایرین تقلب کردند باید بگوئیم حالا بروتوی کوچها بگردنا وقتی که قانون جزای عمومی وضع شود تکلیف تودر آن جا معلوم شود این هیچ منطبق ندارد و مادام که این قانون جزای عمومی در مملکت وضع نشده هر قانون خصوصی که وضع میشود باید بتخلفین از مواد آن يك ماده جزائی وضع کرد بعد که قانون جزا وضع میشود تمام این موادی که در قوانین مختلفه وضع شده آنها را جمع میکنند و بهایوی هم میگذارند و يك فصل عمومی در تحت عنوان متقلب و مزور قرار میدهند و بنا بر این هیچ مقتضی نیست که چون مافانون جزای عمومی نداریم و بعداً وضع میکنم هر کس تقلب میکند نباید متعرض اوشده

بنده زیاد در این موضوع صحبت نمیکنم و کلاماً هم باین ماده برای حفظ حقوق همان صنعتگری که این قدر دلسوزی برای او میکنم موافق هستم.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - در این جا قاضی یا يك طوری مورد مباحثه میشود که دقیقه بدقیقه هیچ شباهتی باهم ندارند. قبلاً آقای مخبر فرمودند که این ترتیب برای سرمایه داران وضع شده و شما میخواهید يك کسی که سرمایه دار است ده سال بده سال هم ده تومان بدولت ندهد و از حمایت دولت محروم بماند بعد بنده آخری که میرسیم می بینم که از متخلف هم جریمه نقدی میکشند و هم حبس و سایر بایا هابسرش میآورند در این صورت این ماده بکلی مخالف با فرمایشات آقای مخبر است. دیگر اینکه در اینجا ایراد شد که اگر تخلف یا نقلی راجع بیک موضوع مخصوصی از کسی سر بزنده تکلیف آن چیست؟ بعقیده بنده باید عموماً راجع باین قلب هافانون جزا نوشته شود و آن قانون تکلیف تمام متقلبین را معین میکند در اینجا گفته شد این طفره از موضوع است برای اینکه يك قانونی وضع نشود.

بنده عرض میکنم ما قانون جزای عرفی نداریم و قدری اگر يك کسی تخلف کرد یا تکلیف مجازات او چیست بنا بر این هر وقت ما فرصت کنیم باید يك قانون جزائی وضع کنیم و در نتیجه مجازات های مختلفه برای اشخاصیکه بطور اختلاف تجاوز از قوانین میکنند معین کنیم والا این ترتیب که نمیشود.

مثلاً يك وقتی حسن رأفت و شفقت نمایندگان جنبشی میکنند و راجع بیک تخلف يك مجازات کمی معین میکنند و در موضوع تخلف دیگر که شاید خلافت هم کمتر از اولی باشد مجازات بیشتری معین میکنند بالاخره وقتی که این ها را بهایوی هم بگذاریم می بینم يك چیز غریبی بیرون می آید آن وقت يك کسی که خلاف کوچکی کرده مجازات بزرگی برای او معین کرده اند و يك کسی که خلاف بزرگی نموده مجازات کمتری برای او قائل شده اند.

البته بایستی در مملکت قانون مجازات باشد و تمام خلاف ها و تقلب ها را در مد نظر آورده و نسبت بهر خلاف و تقلبی جزائی معین کند و در يك جانی که يك قانونی راجع به علامت صنعتی وضع میشود نباید مجازات متخلف از آن راهم معین کرد. مثلاً برای حبس ده روز تا يك سال و برای جریمه نقدی ده تومان یا سبب ده تومان معین کرد و این اختلاف فوق العاده را در نظر محکمه گذاشت که صلاحیت رسیدگی به این موضوع را داشته باشد در صورتیکه هنوز قانون جزائی وضع نشده و در سایر قسمت ها مردم

بی تکلیف هستند مثلا در همین جا گفته شد که دزدها و قائلین راست راست راه میروند برای اینکه قانون مجازات نیست چطور شده است که آن ها باید راست راست راه بروند

کرد و این يك مجازاتی است که قدر خفیف و کثیری دارد که ممکن است محکمه در موقع خودش جهات

و تاجر شود و من مغالف هستم که يك ماده وضع شود

اما اگر کسی علامت صنعتی دیگری را اختیار نماید او را بگیرند حبس کنند اگر تخلف از چنین قانونی که اول گفتند راجع بسرمایه داراست و پول میدهد اگر مجازات چنین متغلی را بیشتر از قائل و سارق حساب می کنند گمان میکنم این طور صحیح نباشد و اگر مجازات باید برای کلیه خلافکاران معین شود بنا بر این فراموش شدن چیزهای دیگر چیز غریبی است

بنده عرض می کنم که اینها در موقع ماده بندی قانون مجازات ممکن است معین کرد و وجه حل دارد برای اینکه اگر يك مجازات خفیف و کثیری پیدا شد وقتی قانون مجازات وضع می کنند آن - مجازات را تقسیم بعد اقل و اکثر جرم می کنند و مابین حداقل و اکثر تناسباتی است که قاضی میتواند مخففات جرم یا چیزهایی را که اسباب شدت جرم است رعایت کند و بعقیده بنده این مجازات خیلی معتدل است و هیچ عیبی هم ندارد

دیگری وضع شود درای کلیه تقلب و تزویر دیگرى وضع شود درای کلیه تقلب و تزویر که این مواد باهم متفاوت باشند و تعجب میکنم از اینکه آقایان اصلا خیال ندارند قانون مجازات را بگذرانند و قانون جزا از این مجلس خارج شود تا اینکه کلیه متقلبین جنایت کاران تعقیب و به مجازات برسند و ما که این جا نشسته ایم - باید تصمیم بگیریم که قانون جزای عمومی قانون جزای عرفی یا ملکیتی یا دولتی از مجلس بگذرد و ما این افتخار را بریم والا این عنوان که قانون نداریم و در این دوره هم نمیتوانیم قانون وضع کنیم بنظر بنده خیلی کوچک است و ما باید قانون جزای دولتی را از عدلیه بخواهیم و به فوریت تصویب کنیم و به هم دست دولت که بموقع اجرا بگذارد و این قانون اعلام صنعتی هم که يك ماده دارد که مفاد آن این است که این قانون بعد از شش ماه یا يك سال دیگر سه موقع اجرا گذاشته خواهد شد و تا شش ماه و يك سال دیگر هم ما میتوانیم قانون جزای عرفی را وضع کنیم و بدست دولت بدهیم

بعلاوه مجدداً عرض میکنم که دريك جا گفته شد این ترتیب برای این است که سرمایه داران يك استفاده از دولت میکنند و بنا بر این خوب است يك چیزی هم بدولت بدهند

بنده عرض می کنم که اینها در موقع ماده بندی قانون مجازات ممکن است معین کرد و وجه حل دارد برای اینکه اگر يك مجازات خفیف و کثیری پیدا شد وقتی قانون مجازات وضع می کنند آن - مجازات را تقسیم بعد اقل و اکثر جرم می کنند و مابین حداقل و اکثر تناسباتی است که قاضی میتواند مخففات جرم یا چیزهایی را که اسباب شدت جرم است رعایت کند و بعقیده بنده این مجازات خیلی معتدل است و هیچ عیبی هم ندارد

و تاجر شود و من مغالف هستم که يك ماده وضع شود

از آن طرف يك طبقه اصناف ضعیفی هستند که حس رافت بآنها بچینش آمده و با این حال يك جا قوساز و قتیکه علامت صنعتی چاقوساز دیگرى را اختیار کرد و تقلب نمود شاید بآن چاقوساز اولی پنج تومان ضررمی خورد و آمده اند در اینجا سید تومان جریمه برایش معین کرده اند و اگر يك شخصی سیصد تومان عین مال کسیرا سرفرت کرده باشد

بنده عرض می کنم که اینها در موقع ماده بندی قانون مجازات ممکن است معین کرد و وجه حل دارد برای اینکه اگر يك مجازات خفیف و کثیری پیدا شد وقتی قانون مجازات وضع می کنند آن - مجازات را تقسیم بعد اقل و اکثر جرم می کنند و مابین حداقل و اکثر تناسباتی است که قاضی میتواند مخففات جرم یا چیزهایی را که اسباب شدت جرم است رعایت کند و بعقیده بنده این مجازات خیلی معتدل است و هیچ عیبی هم ندارد

و تاجر شود و من مغالف هستم که يك ماده وضع شود

بگفته آقایان در همین مجلس چون مجازات نداریم باید راست راست راه برود - این کوسه وریش یهن است رئیس - آقای عدل الملك ( اجازه )

بنده عرض می کنم که اینها در موقع ماده بندی قانون مجازات ممکن است معین کرد و وجه حل دارد برای اینکه اگر يك مجازات خفیف و کثیری پیدا شد وقتی قانون مجازات وضع می کنند آن - مجازات را تقسیم بعد اقل و اکثر جرم می کنند و مابین حداقل و اکثر تناسباتی است که قاضی میتواند مخففات جرم یا چیزهایی را که اسباب شدت جرم است رعایت کند و بعقیده بنده این مجازات خیلی معتدل است و هیچ عیبی هم ندارد

و تاجر شود و من مغالف هستم که يك ماده وضع شود

ولی يك تجارخانه مارک آن رامبلغ گزافی فروخت و مبلغی به عنوان حق شهرت خودش از تجارت خانه دیگر گرفت مثلا نوریين يك روشوی مخصوصی است که منافع کثیره میبرد و بیشتر سبب شهرت او شده است

بنده عرض می کنم که اینها در موقع ماده بندی قانون مجازات ممکن است معین کرد و وجه حل دارد برای اینکه اگر يك مجازات خفیف و کثیری پیدا شد وقتی قانون مجازات وضع می کنند آن - مجازات را تقسیم بعد اقل و اکثر جرم می کنند و مابین حداقل و اکثر تناسباتی است که قاضی میتواند مخففات جرم یا چیزهایی را که اسباب شدت جرم است رعایت کند و بعقیده بنده این مجازات خیلی معتدل است و هیچ عیبی هم ندارد

و تاجر شود و من مغالف هستم که يك ماده وضع شود

وقتیکه در صنعت و علامت صنعتی او تزویر و تقلب شد بتجارخانه او خیلی ضررمی زند و ممکن است يك تجارتخانه بکلی اقیان شود یعنی تمام منافع و عایدی که از حسن شهرت دارد از بین برود

بنده عرض می کنم که اینها در موقع ماده بندی قانون مجازات ممکن است معین کرد و وجه حل دارد برای اینکه اگر يك مجازات خفیف و کثیری پیدا شد وقتی قانون مجازات وضع می کنند آن - مجازات را تقسیم بعد اقل و اکثر جرم می کنند و مابین حداقل و اکثر تناسباتی است که قاضی میتواند مخففات جرم یا چیزهایی را که اسباب شدت جرم است رعایت کند و بعقیده بنده این مجازات خیلی معتدل است و هیچ عیبی هم ندارد

و تاجر شود و من مغالف هستم که يك ماده وضع شود

بنده در کمیسیون هم که بودم مدافع بودم و میگفتم این مجازات خفیف است و تقلب و تزویر که می شود تجار را خیلی متضرر می کند و حداقل این مجازات درست ولی حد اکثر آن کم است و بالاخره چون تقلب و تزویر باعث فتنای تجارت خانه است

بنده عرض می کنم که اینها در موقع ماده بندی قانون مجازات ممکن است معین کرد و وجه حل دارد برای اینکه اگر يك مجازات خفیف و کثیری پیدا شد وقتی قانون مجازات وضع می کنند آن - مجازات را تقسیم بعد اقل و اکثر جرم می کنند و مابین حداقل و اکثر تناسباتی است که قاضی میتواند مخففات جرم یا چیزهایی را که اسباب شدت جرم است رعایت کند و بعقیده بنده این مجازات خیلی معتدل است و هیچ عیبی هم ندارد

و تاجر شود و من مغالف هستم که يك ماده وضع شود

بنده در کمیسیون هم که بودم مدافع بودم و میگفتم این مجازات خفیف است و تقلب و تزویر که می شود تجار را خیلی متضرر می کند و حداقل این مجازات درست ولی حد اکثر آن کم است و بالاخره چون تقلب و تزویر باعث فتنای تجارت خانه است

بنده عرض می کنم که اینها در موقع ماده بندی قانون مجازات ممکن است معین کرد و وجه حل دارد برای اینکه اگر يك مجازات خفیف و کثیری پیدا شد وقتی قانون مجازات وضع می کنند آن - مجازات را تقسیم بعد اقل و اکثر جرم می کنند و مابین حداقل و اکثر تناسباتی است که قاضی میتواند مخففات جرم یا چیزهایی را که اسباب شدت جرم است رعایت کند و بعقیده بنده این مجازات خیلی معتدل است و هیچ عیبی هم ندارد

و تاجر شود و من مغالف هستم که يك ماده وضع شود

بنده در کمیسیون هم که بودم مدافع بودم و میگفتم این مجازات خفیف است و تقلب و تزویر که می شود تجار را خیلی متضرر می کند و حداقل این مجازات درست ولی حد اکثر آن کم است و بالاخره چون تقلب و تزویر باعث فتنای تجارت خانه است

بنده عرض می کنم که اینها در موقع ماده بندی قانون مجازات ممکن است معین کرد و وجه حل دارد برای اینکه اگر يك مجازات خفیف و کثیری پیدا شد وقتی قانون مجازات وضع می کنند آن - مجازات را تقسیم بعد اقل و اکثر جرم می کنند و مابین حداقل و اکثر تناسباتی است که قاضی میتواند مخففات جرم یا چیزهایی را که اسباب شدت جرم است رعایت کند و بعقیده بنده این مجازات خیلی معتدل است و هیچ عیبی هم ندارد

و تاجر شود و من مغالف هستم که يك ماده وضع شود

به عقیده بنده بعضی چیز های آن مناسب باشد و بعضی چیزهای دیگر شاید مناسب نباشد و الا آن هم مرسوم است و متقلب و مزور و کاذب سازد امیکرند و الا هم يك کارهایی می کنند و در این باره هم نوشته شده است که بعد از شش سال به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و متقدم که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه مطرح داده خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

بنده نمیخواهم زیاد توضیح بدهم و در این ماده نوشته شده است که اگر يك سال به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و متقدم که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه مطرح داده خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

بنده نمیخواهم زیاد توضیح بدهم و در این ماده نوشته شده است که اگر يك سال به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و متقدم که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه مطرح داده خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

بنده نمیخواهم زیاد توضیح بدهم و در این ماده نوشته شده است که اگر يك سال به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و متقدم که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه مطرح داده خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

بنده نمیخواهم زیاد توضیح بدهم و در این ماده نوشته شده است که اگر يك سال به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و متقدم که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه مطرح داده خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

بنده نمیخواهم زیاد توضیح بدهم و در این ماده نوشته شده است که اگر يك سال به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و متقدم که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه مطرح داده خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

بنده نمیخواهم زیاد توضیح بدهم و در این ماده نوشته شده است که اگر يك سال به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و متقدم که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه مطرح داده خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

بنده نمیخواهم زیاد توضیح بدهم و در این ماده نوشته شده است که اگر يك سال به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و متقدم که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه مطرح داده خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

بنده نمیخواهم زیاد توضیح بدهم و در این ماده نوشته شده است که اگر يك سال به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و متقدم که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه مطرح داده خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

بنده نمیخواهم زیاد توضیح بدهم و در این ماده نوشته شده است که اگر يك سال به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و متقدم که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه مطرح داده خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

بنده نمیخواهم زیاد توضیح بدهم و در این ماده نوشته شده است که اگر يك سال به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و متقدم که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه مطرح داده خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

(بشرح آتی خوانده شد)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای داور قرائت میشود: (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مجازات ماده ۱۲ از يك ماه تا يكسال شود

بنده پیشنهاد میکنم مجازات ماده ۱۲ از يك ماه تا يكسال شود

بنده پیشنهاد میکنم مجازات ماده ۱۲ از يك ماه تا يكسال شود

بنده پیشنهاد میکنم مجازات ماده ۱۲ از يك ماه تا يكسال شود

بنده پیشنهاد میکنم مجازات ماده ۱۲ از يك ماه تا يكسال شود

بنده پیشنهاد میکنم مجازات ماده ۱۲ از يك ماه تا يكسال شود

بنده پیشنهاد میکنم مجازات ماده ۱۲ از يك ماه تا يكسال شود

بنده پیشنهاد میکنم مجازات ماده ۱۲ از يك ماه تا يكسال شود

بنده پیشنهاد میکنم مجازات ماده ۱۲ از يك ماه تا يكسال شود

بنده پیشنهاد میکنم مجازات ماده ۱۲ از يك ماه تا يكسال شود

(بخط خوانده شد)

مجازات خواهد شد و نیز هر مبلغ ضرر شخصی بصاحب حقیقی امتیاز وارد آمده باشد گرفته و باو داده خواهد شد.

**رئیس -** بفرمائید.

**کازرونی -** بنده خیلی متأسف هستم که در گفتار خودمان همیشه پیرامون افراق میگردیم.

گاهی گفته میشود یک قانونی است مال سرمایه دارها و میخواهد سلب یک حقی از دولت بشود.

**رئیس -** آقا بطور اختصار حرف بزنید.

**کازرونی -** چشم. گاهی گفته میشود که این متعلق است بلوئین فروشها و بدبخت ها و میخواهم حفظ حقوق آنها را بکنیم.

بنده تصدیق میکنم که این بیشه متعلق است با شخص بی بینه بی بضاعت و باید مجازات هم متناسب با حال آنها باشد علاوه مجازاتی را که ما مین میکنیم اگر اگر چنانچه یک نفر آدم تصیری کرد از سنخ معین از تصیری است.

مواردش فرق میکند در یک جا باید سیصد تومان در یکجا باید صد تومان بدهد بنا بر این متناسب ندارد بنده عرض میکنم قانون بایستی نسبت بتمام افراد متساوی باشد.

آدمی که در اینجا تخلف میکند همان طور که آقایان توضیح دادند یک قسمتش راجع بشخص است که خسارت نسبت بآن شخص وارد شده

البته باید گرفته شود و صاحبش داده شود و آنچه راجع بقسمت عمومی است که تخلف از قانون شده است باید جلب به محکمه شود و بر طبق قوانین مجبور شود مثل تصیریاتی که مردم بجامه کرده اند و مجازات هم نمیشود این را بگریزند و مجازات هم بکنند

**رئیس -** آقایانی که اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمائید (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس -** قابل توجه نشد.

**رئیس -** بفرمائید.

ماده دوازدهم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب نشد. چند دقیقه تنفس داده میشود.

( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

**رئیس -** پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس قرائت میشود:

( اینطور قرائت شد )

این بنده پیشنهاد میکنم که دوسیه بود اغیانس عیناً در مجلس علنی به تمامه خوانده شود یا در جراند محلی درج شود تا عامه مستعضر شوند.

**رئیس -** آقای دامغانی ( اجازه )

شریعتمدار دامغانی - بنده اگر چه اساساً و بدو با قضیه بود اغیانس مخالف بودم و رای هم ندادم لیکن پس از رای دادن حالا در آن دوسیه در مجلس و خواندن و در جراند درج شدن تصور نمیکند هیچ یک از نظریات و مقاصد شاهزاده شیخ الرئیس را تأمین کند.

زیرا کاری است که شده و تصویب هم نموده و یک سوء انعکاس و سوء تفاهمی هم حاصل شده.

حالا این سوء انعکاس و سوء تفاهم از کجا ناشی شده معلوم نیست به عقیده بنده چون آرتوز مذاکرات کافی شد و رای دادند دلایل اقلیت و اکثریت گفته نشد و افکار مخالف و موافق معلوم نشد از این جهت سوء انعکاس حاصل شد.

اگر یک وقتی اکثریت رای اقلیت را خفه می کند افکار اقلیت را نباید خفه کند یعنی اگر یک کسی مخالف بود باید فکرش را اظهار کند و تبادل افکار شود آن وقت رای بگیرند نه اینکه یک وقت یک مسئله طرح شود و برود مذاکرات کسافسی شود.

البته این سوء انعکاسات اتفاق می افتد حالا اگر این دوسیه در مجلس خوانده شود گمان میکنم عذر بدتر از گنا است زیرا نمی شود گفت حالا بعد از عمل مطالعه شده است.

البته باید قیلا مطالعه شده باشد و دولت باید بیشتر از این در این نوع مطالب مطالعه کرده باشد مجلس هم مطالعه بکند آن وقت رای بدهد اول باید مطالعات در قضیه بشود آن وقت رای بدهند اما در جراندش باز گمان میکنم آن خیال و آن سوء تفاهم را رفع نمی کند.

چه اطمینانی وجه قضایاتی هست که بین دوسیه طبع شده باشد بدون اینکه روایطی از آنها حذف شده یا نشده و بطور افکار عامه باید مطمئن شود که عین دوسیه باروایط آن درج شده است

چون خواننده هم این قدر اطمینان ندارد که حتماً تمام دوسیه درج شده باشد از این جهت مقاصد عامه را تأمین نخواهد کرد.

بنا بر این بنده تصور میکنم هر دو قسم این پیش نهاد هیچ اثری نخواهد داشت.

**رئیس آقای محمد هاشم میرزا ( اجازه )**

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بنده خیال می کردم محتاج بتوضیح نیست ولی فرمایشات آقای دامغانی بنده را مجبور کرد یک توضیحاتی بدهم:

اولاً موضوع در این نیست که این قسمت

در رای موثر باشد یا اینکه ما بخواهیم امروز مطالعه کرده باشیم خیر بنده که یکی از رای دهندگان بودم با کمال اطمینانی که داشتم رای دادم و اکثر آقایان هم شخصاً از قضیه مطلع شده اند یا بواسطه اعتماد بر قنای خودشان که در کمیسیون بودند در این رای رادادند و هنوز هم یک نفر از نمایندگان را ندیدم که بیایند رای خود را تردید کنند.

آقای دامغانی میفرمایند بنده با اینکه رای ندادم عقیده باین پیشنهاد ندارم و بنده که یکی از رای دهندگان هستم اگر دوسیه هم چاپ شود بس اطلاعات بنده چیزی نخواهد افزود

این را یکی از مطالب مهمه میدانم نه تنها این را بلکه تمام مطالبی را که در این دوره باقی و نا تمام مانده باید ختم شود و مطالب معلوم شود

امروز فردا کردن کارها بمجرد اینکه سوء تفاهم یا سوء تسماع میشود ابتدا مسئولیت یک وکیل را گمان نمیکند سلب کند.

وکیل مسئول است و در حدود عقیده خودش آزاد است که رای خودش را نقیاً یا اثباتاً بدهد و تصور نکند که در خارج سوء تفاهم میشود یا نمیشود

مقصود بنده این بود. البته از چندین سال قبل آقایان بخاطر دارند.

در دوره اول و دوم خیلی از مجالس سری تشکیل میدادند و بعد در خارج چیزهای گفته میشد و انتشاراتی میدادند اول کسی که این مطلب را خیلی جد کردند که موقوف شود آقای مؤتمن الملک بودند که از بدو ریاستشان جد کردند که مجلس های سری منعقد نشود تا اینکه سوء تفاهمی در خارج تولید نشود و بنده هم همین عقیده را همیشه دارم و عقیده ام اینست که باید تمام مطالبی را که افراد ملت ذی نفع هستند حتی الامکان مادام که مضرات اساسی برش مترتب نشود

باید هم بدانند و هر کسی ذی علاقه است باید بدانند که در مملکت بودجه که خرج میشود چطور خرج میشود و اگر پولی گرفته میشود یا اگر مالیاتی وضع می شود بچه دلیل میشود

یا اگر فلان و کبیل مخالفت با فلان ماده میکند بچه دلیل است این دردی درمان که حاصل شده است بواسطه نداشتن روزنامه رسمی است

که ادله که از طرفین اقامه میشود در آنجا درج شود ولی چون جانی نوشته نمی شود فایده برایش مترتب نیست و چون در این قضیه بعضی آقایان گفتند کم مذاکره شده است و احتمالاً دانند که مردم مشتاقند و می مانند که این قضیه را مطلع شوند نه اینکه از نقطه نظر سوء تفاهم

زیرا بنده هم در هیچ یک از مجالس و محافل رسمی سوء تفاهمی ندیدم و عقیده ام این است چون مضرات سیاسی در آنجا نمی بینم و دولت های مقتدر و اشخاص مهمی که طرف اعتماد مجالس گذشته بودند در این امر مداخله داشته اند

عقید دارم این مطلب طرح شود تا مردم بدانند که اشخاصی که رای داده اند با کمال اطمینان قلب رای داده اند چون جزء مطالب اساسی مملکت فرض کرده اند و ابداً تردیدی بخاطرشان رخ نداده گذشت است و یک قدری دیر شده است بنظر آقایان باین ترتیب را که بنده پیشنهاد کرده ام خیلی لازم نمی آید که در جراید نوشته شود یا در مجلس قرائت شود و مطالب معلوم شود

ممکن است در تشقیق این شقوق پیش نهاداتی بشود بطور اختصار درج شود یا بشما هم هر قسمتی آقایان صلاح بدانند بنده ممکن است از ترتیب پیشنهاد خود صرف نظر کنم والا مقصود بنده این است مطالبی را مردم مشتاقند بفهمند این وضور اساسی هم نداشته باشد

البته باید منتشر شود که مردم بدانند و جای سوء تفاهم باقی نماند و اشخاصی که در خارج مخالف هستند نتوانند یک نسبت همئی بدهند که از هان رامشوب نمایند و البته رای دهندگان هم هیچ تردیدی ندارند و عصاره سوس از کمیسیون فواید عامه گذشته است اگر مقتضی باشد جز دستور میدادم

( جمعی گفتند مذاکرات کافی است )

**رئیس -** آقای شریعتمدار پیشنهادی راجع بختم جلسه کرده اند دو فقره پیش نهاد هم شده است ولی عرض کردم که پیش نهاد بر مطلب هنوز تکلفش معلوم نشده است

پیشنهاد شاهزاده هم بطور تردید نوشته شده باید یک چیزی تصریحاً نوشته شود.

**شیخ الرئیس -** بنده عرض میکنم هر کدام را مجلس بپول کند موافقم و تردید ندارم.

**رئیس -** بنده چطوور رای بگیرم؟

**محمد هاشم میرزا -** تجزیه بفرمائید.

**رئیس -** خودتان باید تقاضا بفرمائید.

**شیخ الرئیس -** بنده تقاضای کم کنم.

**رئیس -** رای میگیریم بقسمت اول.

**مدرس -** خوبست همه پیشنهادها را بخوانند

**رئیس -** نسی، توانستم رای بگیریم.

**مدرس -** خواندنش هم نمی شود؟

**رئیس -** آقایانی که قسمت اول را تصویب میکنند یعنی در مجلس قرائت شود قیام فرمائید.

( عده قلبی قیام نمودند )

**رئیس -** تصویب نشد

رای میگیریم بقسمت دوم که در یکی از جراند درج شود آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید

( عده کمی برخاستند )

**رئیس -** تصویب نشد اجازه می - فرمائید جلسه ختم شود؟

( جمعی از نمایندگان - صحیح است )

**رئیس -** جلسه آینده روز پنجشنبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر دستور اولاً لایحه مالیات تصاعدی بر عایدات

ثانیاً لایحه عوارض ورودی بلدی آقای دست عیب ( اجازه )

**دست غیب -** راجع بدستور عرضی ندارم.

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب -** بنده خواستم از مقام محترم ریاست تقاضا کنم لایحه امتیاز عصاره سوس از کمیسیون فواید عامه گذشته است اگر مقتضی باشد جز دستور میدادم

**رئیس -** در درجه سوم می شود.

**آقا سید یعقوب -** همینطور لایحه اوزان و مقادیر هم گذشته است و شور دوم آن هم تمام شده است.

**رئیس -** میماند برای هفته دیگر آقای اخگر.

( اجازه )

**اخگر -** راجع بتعمین تکلیف منتظرین خدمت در قانون استخدام یک شرحی آقای یاسائی پیشنهاد کرده بودند بنده استدعا دارم اگر حاضر است جز دستور گذارده شود

**رئیس -** در درجه چهارم آقای دامغانی.

( اجازه )

**شریعتمدار دامغانی -** پیشنهادی که بنده تقدیم کرده بودم راجع بترجمه کتب دو جلسه هم جزء دستور شده بود استدعا میکنم جزء دستور جلسه آتی بفرمائید گذاشته شود

**رئیس -** صحیح است فراموش شده است در درجه اول گذاشته می شود.

آقای مدرال الملک ( اجازه )

**مدیر الملک -** عرضی ندارم

**رئیس -** آقای حاج عز الممالک ( اجازه )

**حاج عز الممالک -** عرضی ندارم

**رئیس -** آقای یاسائی ( اجازه )

**یاسائی -** عرضی ندارم

**رئیس -** آقای زعیم ( اجازه )

**زعیم -** هر گاه خاطر مبارک ریاست باشد در دو جلسه قبل پیشنهاد شد که موقع جلسات علنی برای سه ساعت قبل از ظهر باشد چون عده برای اخذ رای کافی نبود رای گرفته نشد حالا چون عده کافی است برای رای بنده آن پیشنهاد را تأیید میکنم که سه بظهر جلسه تشکیل شود

**رئیس -** رای میگیریم

آقای سر کشیک زاده ( اجازه )

**سر کشیک زاده -** بنده اساساً معتقد بودم که باید جلسات سه ساعت بعد از ظهر تشکیل شود که ما بیشتر وقت داشته باشیم پیشنهاد هم کردند آقایان مخالفت کردند بنده هم صرف نظر کردم حالا که ساعت سه و نیم است آقایان سه ساعت بظهر می آیند دو ساعت بظهر جلسه تشکیل می شود و ظهر تمام میشود و غالباً مذاکرات هم مفصل میشود و در اطراف قضایا بقدری بحث میشود که در یک ماده ممکن است دو ساعت صحبت بشود و بعد هم وقتی میگویند مذاکرات کافی است تازه میگویند بگویند مذاکرات کافی است امروز ملاحظه کنید مجلس چه کرده است دوسه ماده از قانون علائم صنعتی را تصویب کرده و یک ماده را هم رد کرده است بنا بر این بنده معتقدم که همان سه و نیم به ظهر باشد تا موقعی که مفصل باشد جلسات بعصر بیفتد

**زعیم -** آقا بنده اصل پیشنهاد را عرض کردم توضیح ندارم

اجازه بفرمائید توضیحی عرض کنم.

**رئیس -** بفرمائید

**زعیم -** علت اینکه غالب آقایان نمایندگان ساعت سه و نیم نمیتوانند حاضر شوند برای این است که روزها کوتاه است و نمی شود حاضر شوند و بنده یقین دارم که غرض تسماع نیست و معتقدم که اگر ۳ ساعت قبل از ظهر معین شود حتماً حاضر خواهند شد.

زیرا در این روزهای کوتاه نمی شود سه ساعت و نیم قبل از ظهر حاضر شد و بنده بهمین جهت آن پیشنهاد سابق را تأیید کردم که سه به ظهر شود.

**رئیس -** رای میگیریم برای سه قبل از ظهر تصویب کنندگان قیام فرمائید

( عده قلبی قیام نمودند )

**رئیس -** تصویب نشد جلسه را ختم میکنم

( مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد )

**رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک**

منشی علی اقبال الممالک

منشی - معظم السلطان

**جلسه ۷۸ صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه چهاردهم عقرب یک هزار و سیصد و سه مطابق هشتم ربیع الثانی یک هزار و سیصد و چهل و سه**

مجلس یک ساعت و سه ربع قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن - الملک تشکیل گردید

( صورت مجلس یوم سه شنبه دوازدهم عقرب را آقای اقبال الملک قرائت نمودند )

**رئیس -** آقای ناصر الاسلام ( اجازه )

**ناصر الاسلام -** بنده راجع غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده استجازه کرده بودم

**رئیس -** شاید کمیسیون اجازه نداده باشد آقای غلامحسین میرزا ( اجازه )

**غلامحسین میرزا -** بنده راجع دیر آمدگان بی اجازه نوشته اند در صورتی که بنده دیر نیامدم و سر وقت آمده بودم

**رئیس -** آقای سردار معتمد ( اجازه )

**سردار معتمد -** در صورت مجلس بنده را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتی که بنده جلساتی را که غیبت کرده بودم از مقام ریاست کتباً استجازه کرده بودم چون ناخوش و مریض بودم استدعا دارم مقرر فرمائید اصلاح شود

**رئیس -** علت تحقیق میشود.

آقای میرزاییدالله خان ( اجازه )

**آقای میرزاییدالله خان -** بنده در صورت مجلس عرضی ندارم

**رئیس -** آقای کازرونی ( اجازه )

**کازرونی -** عرضی ندارم

**رئیس -** نسبت بصورت مجلس دیگر ایرادی نیست؟

( گفته شد خیر )

**رئیس -** آقای آقا میرزاییدالله خان ( اجازه )